

میزگرد «ایران» با حضور موسی نجفی، یحیی فوزی، محمدعلی فتح‌اللهی، سید محمدرحیم ربانی زاده و سید جواد میری

تشخیص «منافع ملی» و تعیین «مصالح فراملی» با کیست؟

«نظام سیاسی» و «مردم» بر سر منافع ملی چگونه به اتفاق نظر می‌رسند؟

اندیشه سیاسی

مهارم رضانی
خبرنگار

«منافع ملی»، «مصلحت عمومی» و «خیرعمومی» از اصطلاحات پریسامد در ادبیات سیاسی مدرن است چنانکه دولت‌مردان هر کشوری با ملزم کردن خود به تأمین این مصالح و منافع می‌کوشند رضایت عمومی را جلب کنند. به این اعتبار، بر آن شدیم طی میزگردی «چگونگی تشخیص منافع ملی و مصالح

«مصلحت عمومی» و «منافع ملی»
در علم سیاست چه تعریفی دارند؟

دکتر یحیی فوزی: «مصالح عمومی» با «منافع ملی» ارتباط نزدیکی دارد. مصلحت عمومی است، دوم نسبی است که مصلحت عمومی با شریعت برقرار می‌کند و سوم چگونگی تعیین مصالح عمومی و اینکه چه کسی و چه مرجعی می‌تواند این مصالح را تعیین کند؟ اما برای شروع بحث نخست به این نکته می‌پردازم که نوع نگاه ما به «عموم چیست؟ آیا اساساً می‌توان برای جامعه «اصالتی» قائل شد که در ادامه بتوانیم برای آن «مصلحت» قائل شویم؟ یکی از بحث‌های پر مناقشه در حوزه اندیشه سیاسی همین نکته است که بالاخره «جمع» اصالت دارد یا «فرد». در این زمینه دو رویکرد کلان وجود دارد: یک دیدگاه، مثل مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها بر اصالت جمع در درون جمع می‌تواند هویت خود را شکل داده و به زندگی خود معنا دهد. دیدگاه دیگر بر «فرد» تأکید می‌گذارد و قائلان به آن، معتقدند «جامعه» معنا و اصالتی ندارد و جامعه در واقع جمع تک‌تک افراد را باید به گونه دیگری تعریف کنیم. این دو نگاه در جهان اسلام هم به نوعی تسری یافته است؛ به عنوان مثال علامه طباطبایی و آیت‌الله مطهری بر اصالت جمع تأکید دارند و در این راستا به آیاتی از قرآن که در آن کلمه «امت» یا «قوم» به کار رفته، تأکید می‌کنند. در مقابل آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله محمدباقر صدر معتقدند که جامعه همان مجموعه افراد است و به نوعی به فردگرایی باور دارند. دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) به نگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی نزدیک‌تر است و به «اصالت جمع» باور دارند و در این راستا از «ولادت ثانویه بشر» حرف می‌زنند و معتقدند بشر دو نوع تولد دارد: نخست «ولادت اولیه» یعنی زمانی که فرد به دنیا می‌آید و دوم «ولادت ثانویه» و آن زمانی است که نظم اجتماعی شکل گرفته و قانون به‌وجود می‌آید. نظم اجتماعی و قانونمندی به مثابه تولد مجدد برای انسان است؛ چراکه هویت جدیدی به انسان می‌دهد.

اگر نگاه دوم را بپذیریم، در اسلام و در بین متفکران مسلمان این نگرش وجود دارد که ما یکسری مصالح فردی و یکسری مصالح اجتماعی داریم که از مصالح فردی گسترده‌تر است و فراتر از این دو «مصالح نظام» است که تأمین‌کننده مصالح ساختار حاکمیت است. بر این اساس، برای شروع بحث می‌توان از این رهگذار ورود کرد که

چون «جامعه» اصالت دارد بنابراین می‌توان در خصوص چند و چون «مصلحت عمومی» و «منافع عمومی» هم گفت‌وگو کرد.

از نگاه این دو نگاه این است که در صورتی که اصالت با افراد باشد منافع و مصالح ملی همان منافع و مصالح تک تک افراد جامعه و ملت است و برای فهم و کشف آن باید به تک تک افراد رجوع کرد و بر پایه نظر اکثریت می‌توان به فهمی از منافع جمعی نزدیک شد. بنابراین از طریق آرای عمومی، قانون و قرارداد مورد توافق اکثریت جامعه استخراج می‌شود. اما نگاه اصالت جمعی مصالح و منافع جامعه را فراتر از مصالح تک‌تک افراد می‌داند و برای فهم و کشف آن به منابع بالایی که بتوانند درک جامع‌تری از جمع ارائه دهند، نیاز است و لذا به فهم جمعی از نخبگان فکری یا منابع برتر مورد پذیرش عموم ارجاع می‌شود.

منافع ملی ما در ایران چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟

دکتر محمدعلی فتح‌اللهی: «منافع ملی» ترجمه‌ای از «مصلحت عمومی» است و مصلحت عمومی هم مبتنی بر حفظ، تقویت و ارتقای منافع ملی است. البته منافع ملی را به انواع مختلف می‌توان تعریف کرد، بعضاً، می‌توان منافع کاذب ملی و منافع توهمی داشت؛ بدین معنا که از اموری تحت عنوان «منافع ملی» حرف زد که عملاً منفعت ملی نیست؛ برای مثال، در دنیای امروز که آمریکا بر همه جهان سلطه پیدا کرده است، خیلی از کشورهای وابسته به آمریکا منافعی را تحت عنوان منافع ملی تعریف می‌کنند که از اساس در راستای سلطه آمریکا است و عملاً از دید ملی، منفعت محسوب نمی‌شود.

منفعت ملی، واقعی به تعبیر مقام معظم رهبری، نسبت وثیقی با «هویت ملی» دارد و به نوعی، ترجمه هویت ملی است البته نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که نباید هویت ملی را بر اساس منافع ملی تعریف کرد چراکه ممکن است برخی اضرال کاذب در آن بار شده باشد و منافعی زودگذر و سطحی به‌عنوان منافع ملی به جامعه القا شده باشد.

از طرفی، هویت ملی از آنجا که یک امر ریشه‌دار، تاریخی و در عین حال، رو به آینده است، استحکام جامعه را حفظ می‌کند و می‌تواند تکیه‌گاه اصلی منافع ملی باشد. بر این اساس، برای رسیدن به تعریفی در خصوص مؤلفه‌های منافع ملی، نخست باید هویت ملی هر کشوری اعم از جنبه‌های عقیدتی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی را تعریف کرد و بر اساس این مؤلفه‌ها، منافع ملی را تعیین کرد.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی «روحیه انقلابی» است و در دنیای امروز به‌عنوان یک ملت انقلابی مستقل که تسلیم نظام سلطه نمی‌شود، شناخته می‌شویم و معیار تعریف و تعیین منافع ملی هم همین روحیه انقلابی است که ریشه در هویت ملی ما دارد. البته مواججه با منافع ملی باید تمام با انعطاف باشد چراکه ممکن است

امروز منافع ملی ما در برابر یک کشوری بیشتر محقق شود و ممکن است این منافع در آینده در تعادل با کشورهای دیگری تأمین شود و مواججه ما با این منافع نباید متغیانه باشد.

دکتر موسی نجفی: «منافع ملی» امروزه به شعار سیاسی بدل شده است. وقتی از منافع ملی سخن به میان می‌آید، نخست باید مشخص کنیم که از چه منظری می‌خواهیم دربار آن بحث کنیم؛ از منظر اندیشه سیاسی و علوم سیاسی یا از منظر جامعه‌شناسی، تاریخی، فلسفی یا با نگاه شعاری و ژورنالیستی؟ نحوه مواججه ما با این موضوع اهمیت بسیاری دارد و مسیر بحث را تغییر می‌دهد.

چند دهه است که شاهد چنین اظهارنظرهایی هستیم که «جمهوری اسلامی به منافع ملی توجهی ندارد و ثروت ملی را در کشورهای دیگر هزینه می‌کند و طی آن، مردم کشور ما هر روز فقیرتر می‌شوند» و متأسفانه چنین اظهارنظرهایی در برخی از احزاب سادانه‌نیش و عوامانه هم اثر کرده است.

بنابراین، در تکمیل صحبت‌های دکتر فتح‌اللهی باید بگویم که منافع ملی، البته منافع ملی را به انواع مختلف می‌توان تعریف کرد، بعضاً، می‌توان منافع کاذب ملی و منافع توهمی داشت؛ بدین معنا که از اموری تحت عنوان «منافع ملی» حرف زد که عملاً منفعت ملی نیست؛ برای مثال، در دنیای امروز که آمریکا بر همه جهان سلطه پیدا کرده است، خیلی از کشورهای وابسته به آمریکا منافعی را تحت عنوان منافع ملی تعریف می‌کنند که از اساس در راستای سلطه آمریکا است و عملاً از دید ملی، منفعت محسوب نمی‌شود.

منفعت ملی، واقعی به تعبیر مقام معظم رهبری، نسبت وثیقی با «هویت ملی» دارد و به نوعی، ترجمه هویت ملی است البته نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که نباید هویت ملی را بر اساس منافع ملی تعریف کرد چراکه ممکن است برخی اضرال کاذب در آن بار شده باشد و منافعی زودگذر و سطحی به‌عنوان منافع ملی به جامعه القا شده باشد.

از طرفی، هویت ملی از آنجا که یک امر ریشه‌دار، تاریخی و در عین حال، رو به آینده است، استحکام جامعه را حفظ می‌کند و می‌تواند تکیه‌گاه اصلی منافع ملی باشد. بر این اساس، برای رسیدن به تعریفی در خصوص مؤلفه‌های منافع ملی، نخست باید هویت ملی هر کشوری اعم از جنبه‌های عقیدتی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی را تعریف کرد و بر اساس این مؤلفه‌ها، منافع ملی را تعیین کرد.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی «روحیه انقلابی» است و در دنیای امروز به‌عنوان یک ملت انقلابی مستقل که تسلیم نظام سلطه نمی‌شود، شناخته می‌شویم و معیار تعریف و تعیین منافع ملی هم همین روحیه انقلابی است که ریشه در هویت ملی ما دارد. البته مواججه با منافع ملی باید تمام با انعطاف باشد چراکه ممکن است

یک قسمتی از منفعت، اقتصادی است، بخشی از آن می‌تواند نفوذ باشد؛ اعم از نفوذ تاریخی، فرهنگی، معنوی و...

آنانی که منافع ملی را به مرزهای ملی محدود می‌کنند، باید به این مهم توجه داشته باشند که وقتی قدرت ملی را کم و یک انقلاب بزرگ را در داخل خودش محصور کنیم، عملاً به هویت ملی ضربه زده‌ایم. بعضی ملت‌ها همچون جامعه ما ذاتاً در درون یک جغرافیا سیاسی و علوم سیاسی یا از منظر جامعه‌شناسی، تاریخی، فلسفی یا با نگاه شعاری و ژورنالیستی؟ نحوه مواججه ما با این موضوع اهمیت بسیاری دارد و مسیر بحث را تغییر می‌دهد.

چند دهه است که شاهد چنین اظهارنظرهایی هستیم که «جمهوری اسلامی به منافع ملی توجهی ندارد و ثروت ملی را در کشورهای دیگر هزینه می‌کند و طی آن، مردم کشور ما هر روز فقیرتر می‌شوند» و متأسفانه چنین اظهارنظرهایی در برخی از احزاب سادانه‌نیش و عوامانه هم اثر کرده است.

بنابراین، در تکمیل صحبت‌های دکتر فتح‌اللهی باید بگویم که منافع ملی، البته منافع ملی را به انواع مختلف می‌توان تعریف کرد، بعضاً، می‌توان منافع کاذب ملی و منافع توهمی داشت؛ بدین معنا که از اموری تحت عنوان «منافع ملی» حرف زد که عملاً منفعت ملی نیست؛ برای مثال، در دنیای امروز که آمریکا بر همه جهان سلطه پیدا کرده است، خیلی از کشورهای وابسته به آمریکا منافعی را تحت عنوان منافع ملی تعریف می‌کنند که از اساس در راستای سلطه آمریکا است و عملاً از دید ملی، منفعت محسوب نمی‌شود.

منفعت ملی، واقعی به تعبیر مقام معظم رهبری، نسبت وثیقی با «هویت ملی» دارد و به نوعی، ترجمه هویت ملی است البته نکته‌ای که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که نباید هویت ملی را بر اساس منافع ملی تعریف کرد چراکه ممکن است برخی اضرال کاذب در آن بار شده باشد و منافعی زودگذر و سطحی به‌عنوان منافع ملی به جامعه القا شده باشد.

از طرفی، هویت ملی از آنجا که یک امر ریشه‌دار، تاریخی و در عین حال، رو به آینده است، استحکام جامعه را حفظ می‌کند و می‌تواند تکیه‌گاه اصلی منافع ملی باشد. بر این اساس، برای رسیدن به تعریفی در خصوص مؤلفه‌های منافع ملی، نخست باید هویت ملی هر کشوری اعم از جنبه‌های عقیدتی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی را تعریف کرد و بر اساس این مؤلفه‌ها، منافع ملی را تعیین کرد.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی «روحیه انقلابی» است و در دنیای امروز به‌عنوان یک ملت انقلابی مستقل که تسلیم نظام سلطه نمی‌شود، شناخته می‌شویم و معیار تعریف و تعیین منافع ملی هم همین روحیه انقلابی است که ریشه در هویت ملی ما دارد. البته مواججه با منافع ملی باید تمام با انعطاف باشد چراکه ممکن است

منافع ملی را روشن کرد و توانست ساختار طبقاتی را از بین ببرد و افسار مختلف جامعه را در حاکمیت سهیم کند. «انقلاب اسلامی» بود. انقلاب اسلامی این فهم را به بدنه جامعه تزریق کرد که همه می‌توانند در ایجاد منافع ملی سهیم باشند. آن کسی که در کارخانه کار می‌کند، استاد دانشگاهی که تدریس و پژوهش می‌کند و تمام صنوف؛ همه می‌توانند در خدمت منافع ملی بوده و در آن نقش و سهم داشته باشند و این باوری بود که انقلاب اسلامی به جامعه داد.

نجفی: یکی از آسیب‌های نگاه تاریخی این است که ما به تاریخ خودمان با دید مدرن نگاه کرده و آن را قضاوت و نقد می‌کنیم. حال این دیدگاه می‌تواند مارکسیستی، شبه مارکسیستی یا لیبرال و نولیبرال باشد. هر دو این نگاه‌ها باعث شده تا ما خود را در یک جایگاه برتر قرار داده و از منظر دنیای قرن بیست و یکمی، دنیای باستان را نگاه کنیم! فردوسی به عنوان یکی از مردمی ترین چهره‌های تاریخ، فرهنگ و ادب ما با وجود اینکه در شاهنامه از گاو آهنگر دفاع می‌کند، ولی به هیچ صورت نظام پادشاهی را بهیم نمی‌زند؛ حتی نام آخر خود را «شاهنامه» می‌گذارد. مسأله اینجا است که «طبقاتی» که فردوسی از آن حرف می‌زند یا «طبقاتی» که مارکسیست‌ها امروز می‌گویند، زمین تا آسمان تفاوت دارد و مفهوم طبقه در دنیای قدیم به گونه دیگری بوده است یا مثلاً من اصلاً کار چوبی‌ها را خیانت نمی‌دانم، اتفاقاً معتقدم آنان در یک مواججه کامل‌اعقالاته، پروژه متمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی مغول‌ها را پیش گرفتند و به خوبی تشخیص دادند که وقتی نمی‌توان حریف دشمن شد، دست‌کم می‌توان آنان را متمدن کرد. چه کسی در برابر شمشیر برهنه می‌ایستد؟! آیا مغول دوره چنگیزی با مغول دوره هلاکویی یکی است؟ می‌خواهم بگویم بزرگان‌مان را در دو نگاه شبه‌مارکسیستی و شبه‌لیبرال می‌نگذاریم و تاریخ‌مان را تخفیف و تخریب نکنیم. «طبقات» در تاریخ ما نه به معنای مارکسیستی که به معنای «ملی» موضوعیت داشته و در آن می‌توان منافع ایرانی را دید. اگر سری به موزه ایران باستان بزنید، وحدتی ملی می‌بینید که خود را از چند ده هزار سال پیش رشد داده است. اما اگر این مناسبات را در معادلات قرن بیستم و بیست‌ویکم ببریم، معنای آن عوض می‌شود. بر این اساس، معتقدم که باید یکبار دیگر سیاست‌نامه خواجه نظام الملک، تاریخ موسی و غازی، شاهنامه فردوسی و...

را بخوانیم و ببینیم اینها به منفعت از چه زاویه‌ای نگاه می‌کردند. اگر هم طبقاتی است، چه منطقی را دنبال می‌کردند.

فوزی:
فهم ما از منافع ملی چند دهه گذشته «واقع‌گراتر» شده است.

وقتی چهارچوب نظام بین‌الملل را قدرت شکل می‌دهد، ما برای حفظ و بسط قدرت ملی خود در این نظام نیازمند ابزارهایی هستیم و یکی از ابزارهای قدرت «اتلاف و اتحاد» است؛ تلاش برای ایجاد وحدت در جهان اسلام و دارا بودن عقیده فکری- فرهنگی در جهان اسلام برای ما قدرت‌آفرین است.

«آرمانگرایی» ما به معنای بی‌توجهی به واقعیت نیست بلکه می‌تواند برای پیشبرد آرمان‌های اقدام کرد و این راهبرد، تقویت‌کننده منافع ملی است

ربانی زاده: نمی‌خواهم گذشته تاریخی‌مان را زیر سؤال ببرم؛ اما متأسفانه ما دچار یک خودبزرگ‌بینی شده‌ایم و این آفتی برای امروز ما است. حرف‌های شما را قبول دارم؛ بدین معنا که ما بعد‌ها در وضعیتی عین حال معتقدم که ما اگر یک کمی‌داشتیم، اصلاً مغول‌ها حمله نمی‌کردند و کشور را سال‌های سال به عقب نمی‌کشاندند. اعراب و مغول‌ها چون می‌دانستند قدرت اداره کشور را ندارند، از مغولان (ما) کمک گرفتند ما هم معمولاً هنرمان این بود که فرهنگ غالب مظهرمان می‌شد.

واقعیت این است که روی «منافع ملی» در گذشته تاریخی ما دیده نمی‌شود. اما با این حال، کسی منکر سبب فضیلت‌های ایران باستان نیست. پیش از آنکه از گذشته‌مان تعریف کنیم، باید آن را مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم تا آن را تکرار نکنیم و با درس گرفتن از آن به نفع خود برای تأمین منافع ملی مان برسیم. چرا «منافع ملی» در امروز و اکنون جامعه ایرانی به امری مهم و قابل‌بحث برای اهالی نظر بدل شده است؟ دلیل این مسأله‌شدگی چیست؟

دکتر سید جواد میری: مسأله شدن منافع ملی در امروز و اکنون جامعه ما به این دلیل است که «خبر عمومی» در درازنای تاریخ ما به‌عنوان یک مفهوم کاملاً مشخص و آشکار نبوده است که همه در مورد آن متفق‌القول باشند. با تحقق انقلاب اسلامی است که این مفهوم برجسته و چرایی آن مسأله می‌شود. مفهوم «منفعت ملی» با «خبر عمومی» گره می‌خورد. اما منظور از خبر عمومی چیست؟ گاه اراده، بسند و خوشامد حاکم مساوی و مترادف با خبر عمومی است و گاه مفهوم جدیدی است که وارد سازگار سیاسی شده است. به نظر من با انقلاب ۵۷ و تأسیس نظام جمهوری اسلامی این اتفاق رقم خورد و در بحث از خبر عمومی «جمهور» مورد خطاب قرار گرفت و طی آن، اگر سیاستی اتخاذ می‌شد «جمهور» هم باید منتفع می‌شد و تشخیص این منتفع شدن هم با لایه‌های قدرت بود؛ بدین معنا که لایه‌های قدرت به نوعی تلاش کنند دغدغه‌های عمومی را به ساحت قدرت و امر سیاسی انتقال دهند. بنابراین اگر جایی قضائی و اعتراضی می‌شود و مردم در برابر یکسری سیاست‌گذاری‌ها مقاومت می‌کنند، نشان می‌دهد که لایه‌های قدرت به نوعی نتوانسته‌اند سیاست ترجمه کنند.

نجفی: خود این پذیرفتن «جمهور» نشانه یک هاضمه بالا نیست! **میری:** بله، اتفاقاً عنوان کردم که یکی از تمایزهای این دوره تاریخی ما با گذشته و حتی در منطقه این است که ما مفهوم «جمهور» را ابداع کردیم. چهار اتفاق بزرگ در تمدن ایران رقم خورده است اما ما نظریه‌ای برای تبیین آن نداریم؛ نخست، تغییر دین و ورود اسلام به ایران بود و در تحلیل آن صرفاً

نجفی:
استعمار نقطه مقابل منافع ملی ماست.

بنابراین، هر جایی که جریان استعمار خواست از امری در جامعه ما دفاع کند، باید شک کنیم. آتانی که منافع ملی را به مرزهای ملی محدود می‌کنند، باید به این مهم توجه داشته باشند که وقتی قدرت ملی را کم و یک انقلاب بزرگ را در داخل خودشان محصور می‌کنند، عملاً به هویت ملی ضربه زده‌ایم.

بعضی ملت‌ها همچون جامعه ما ذاتاً در درون یک جغرافیا قرار نمی‌گیرند. هر اتفاق بزرگی که در ایران می‌افتد، معمولاً منطبق و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این خصلت ایران است که با

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

انقلاب اسلامی این جایگاه ویژه‌تر شد

